



بخش دوم

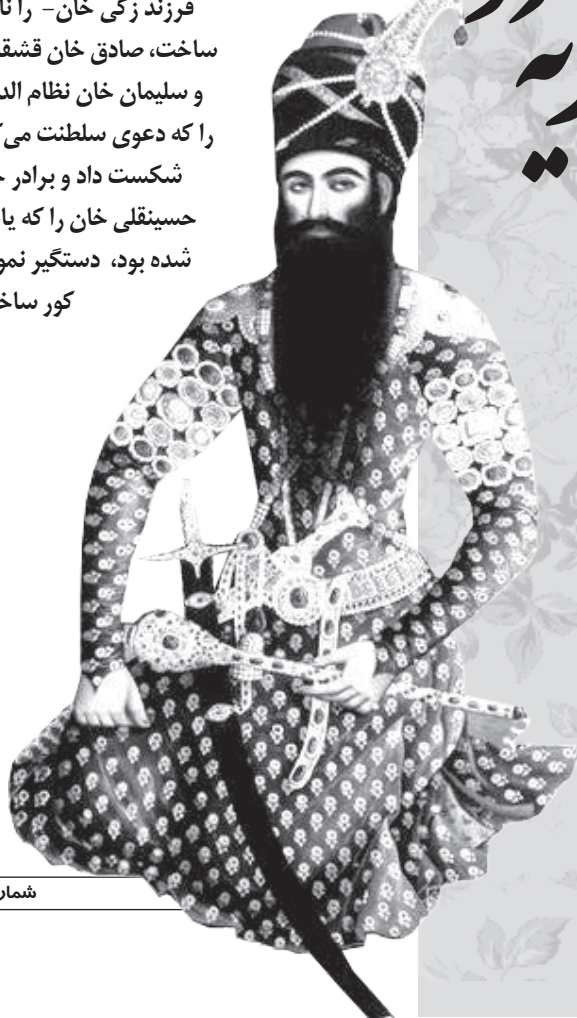
پژوهشی در فن پارچه بافی

دوران قاجاریه در ایران

آغامحمدخان قاجار، سرداری لایق، حاکمی جدی و خشن، مدیر، مدبر و حيله گر بود اما تا کار به تدبیر برمی آمد دست به شمشیر نمی برد. آغامحمدخان چون فرزندی نداشت سلطنت طبق فرمان وی به برادرزاده اش باباخان رسید که به نام فتحعلی شاه به تخت سلطنت نشست. فتحعلی شاه قاجار، فرزند حسین قلی خان و برادرزاده آقا محمدخان قاجار دومین پادشاه سلسله قاجار است که پیش از جلوس باباخان نام داشت. در سال ۱۲۱۱ که آغامحمدخان کشته شد، باباخان از فارس به سمت تهران حرکت کرد، مخالفان را برانداخت، عموی خود علی قلی خان قاجار و محمدخان زند - فرزند زکی خان - را نابینا ساخت، صادق خان قشقایی و سلیمان خان نظام الدوله را که دعوی سلطنت می کرد شکست داد و برادر خود حسینقلی خان را که یاغی شده بود، دستگیر نمود و کور ساخت.

فتحعلی شاه فرزند خود عباس میرزا را نایب السلطنه و ولیعهد اعلام و او را روانه آذربایجان نمود. سپس نادر فرزند شاهرخ افشار را که به مساعدت افغانان بر خراسان مسلط شده بود را دستگیر کرده و در تهران به قتل رساند. وی، ثروت هنگفت آغامحمدخان در خزانه کشور و جواهرات فراوان بازماندگان نادرشاه افشار را به خود اختصاص داد و در راه مملکت و آبادانی آن دیناری خرج نکرد. در آن زمان صنعتگران، هنرمندان و تولیدکنندگان در اثر جنگ های فراوانی که میان زندیه و قاجاریه و گردنکشان به وقوع پیوست آواره و سرگردان شده بودند. همچنین مقدار زیادی طلا و جواهرات غنیمت گرفته شده توسط سربازان کم کم رو به نقصان نهاد و در دست عامه مردم به وسیله دادوستد پراکنده شد که با ورود پارچه های روسی و انگلیسی و صنایع وارداتی از کشورهای اروپائی به اتمام رسید. ضمناً سردمداران مملکت نیز با سیاست های نادرست خود به این امر کمک کردند و موجب نابودی سرمایه های مردم شدند. حاجی ابراهیم خان شیرازی؛ اعتماد الدوله وزیر اعظم حاجی ابراهیم خان شیرازی فرزند حاجی هاشم یهودی الاصل جدیدالاسلام بود که در دوره آغامحمدخان لقب اعتماد الدوله یافت و چون نوبت سلطنت به فتحعلی شاه رسید، اقتدار وی افزایش یافت.

ورود هیأت انگلیسی به رهبری سرجان ملکم و نقش حاج ابراهیم خان زمانی که دولت انگلیس از نقشه ناپلئون برای حمله به هندوستان از راه ایران اطلاع حاصل نمود؛ سرجان ملکم را از هندوستان مأمور دربار تهران نمود که دولت ایران را از اتحاد با مهاجمین باز دارد و یک عهدنامه تعرضی و دفاعی با دولت ایران برقرار نماید. شاید بتواند هندوستان را از خطر حمله ناپلئون و امپراطور روسیه محفوظ دارند و در ضمن دولت ایران را حاضر کنند که از هجوم افغان ها به هند جلوگیری نماید. سرجان ملکم به کمک همراهان خود که در منزل حاج ابراهیم کلاتتری شیرازی سکونت داشتند و پذیرایی و مخارج آنها به دستور فتحعلی شاه برعهده وی بود، معاهده ای میان ایران و انگلیس منعقد شد و در این میان انگلستان ۵ قیراطی و هدایای بسیاری به شاه، درباریان و حاجی ابراهیم شیرازی پیشکش شد. ایلچی انگلیس همواره می گفت: " برای ملت ایران هم هدیه های داریم که به موقع معرفی و تحویل خواهد شد " در کتاب حاجی بابای اصفهانی نقل شده که روزی حاج ابراهیم به پیام رسان خود گفت: به ایلچی بگوید ما همه چیز برای ملت ایران فراهم کرده ایم و نیاز مردم ایران به گندم، برنج، حبوبات و ... تأمین است و لازم نیست برای





صدراعظم که باید به فکر صنایع تولیدی ایران باشد و اجازه ندهد پارچه پشمی انگلیسی جایگزین پارچه بسیار زیبای ایرانی شود متأسفانه مشوق و ارائه دهنده صنعت خارجی و به فکر تأمین منافع خود بود.

مردم ایران، هدیه‌ای بفرستید. به جای این تعارف عام، من مقداری ماهوت انگلیسی را هم قبول دارم! زمانی که پیام به ایلچی رسید با همراهان خود قهقهه‌ای سر دادند که حتی صدای آنها یکسره به دماوند هم رسید! یکی از آنها گفت: ماهوت کجا و سیب زمینی که ما برای مردم ایران هدیه آورده ایم کجا؟! دیگری گفت: ما می‌خواهیم به شما نعمتی سهل‌الحصول و ارزان انعام نمائیم. دیگری گفت: معلوم شد صدراعظم می‌خواهد لقمه شکم عامه مردم را وصله دوش خود کند. اما ایلچی که از همراهان خود عاقل‌تر بود؛ بی‌درنگ و با نزاکت امر نمود تا چندین طاقه ماهوت برای وی ارسال شود. صدراعظم که باید به فکر صنایع تولیدی ایران باشد و اجازه ندهد پارچه پشمی انگلیسی جایگزین پارچه بسیار زیبای ایرانی شود متأسفانه مشوق و ارائه دهنده صنعت خارجی و به فکر تأمین منافع خود بود. به طوری که همراهان انگلیسی ایلچی به نادانی او بسیار خندیدند اما این گونه اعمال باعث از هم پاشیدگی صنعت و هنر تولیدات ایران شد.

دکتر محمود در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس می‌نویسد "حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله اولین شخصی است که گرفتار چنگال بی‌رحم سیاست خارجی شد. عهدنامه‌ای که در این ایام میان انگلیس و ایران به نمایندگی حاج ابراهیم اعتمادالدوله بسته شد اولین و آخرین عهدنامه‌ای است که در آن حقی از ایران سلب نشده است و حقوق طرفین کاملاً مساوی است.

خطر روسیه

ژان یونیر فرانسوی در کتاب سرداران گمنام ایران در جنگ با روسیه تزاری می‌نویسد "در توارخی که تا امروز راجع به نیروهای روسیه و ایران نوشته شده، تاکتیک نبردها ذکر نشده است و مورخان گذشته اسنادی در اختیار نداشتند تا از کیفیت نبردها آگاه شوند حتی در مورد برخی از نبردها از کمیت سربازان پیاده و سواره نظام، اطلاعاتی در دست نیست."

در کتب تاریخی که در دوره قاجاریه پیرامون نیروهای نبرد روسیه و ایران نوشته شده؛ وطن پرستی، دلبری و

فداکاری ایرانیان در آن پیکارها در لفاف اغراق‌نویسی و تشبیهات شاعرانه پیچیده شده به طوری که خواننده متوجه نمی‌شود میزان فداکاری ایرانیان با غیرت و میهن پرستی در آن پیکارها تا چه اندازه بوده و چگونه افسران و سربازان ایرانی که گاهی ماه‌ها مستمری دریافت نمی‌کردند؛ بدون مضایقه، جان را در راه حفظ میهن نثار می‌نمودند حتی بدون آن که اطمینان داشته باشند پس از کشته شدن آنها؛ زندگی خانواده‌شان تأمین خواهد شد یا خیر. دایره بی‌اطلاعی زمامداران ایران آنقدر وسیع بود که حتی از موضوع برخی از میدان‌های جنگ روسیه و ایران هم اطلاع نداشتند و این امر از عوامل موثر شکست ایران و از دست رفتن ایالات و ولایات کشور بود زیرا اگر از اوضاع روسیه و دنیا اطلاع کافی داشتند؛ شاید می‌توانستند در سیاست‌های خود روشی را پیش گیرند که منتهی به از دست رفتن ایالات و ولایات ایران نشود. مشکل دیگری که راجع به پیکارهای ایران و روسیه وجود دارد؛ امساک بیش از حد و حیرت‌انگیز فتحعلی‌شاه در مورد هزینه نبرد است! گویا او نمی‌خواست هزینه جنگ را از خزانه کشور (که در آن موقع خزانه شاه نام داشت) بپردازد و موافقت نمی‌کرد که برای ارتش ایران یک سازمان ضروری از جمله سازمان کسب اطلاعات به وجود آورد تا مجبور به تقبل هزینه آنها نشود! نکته دیگر این که اگر فتحعلی‌شاه در دوره دوم پیکارهای روسیه و ایران (که بیست ماه به طول انجامید) یک پنجم از مبالغی که هنگام عقد پیمان ترکمنچای بابت غرامت جنگی به روسیه پرداخت کرد، صرف هزینه ارتش می‌کرد سپاه ایران هرگز شکست نمی‌خورد.

با توجه به سوء سیاست دربار فتحعلی‌شاه و اجحاف و تعدی که نسبت به مؤدیان مالیات دیوانی می‌شد؛ سکنه قفقاز علاقه زیادی به دربار تهران نداشتند؛ روس‌ها نیز از موقعیت استفاده کردند و بیگلربیگی ایروان و عده دیگری از خوانین معروف قفقاز را به طرف خود جلب نمودند. در اوایل سال ۱۲۱۹ هجری (۱۸۰۴ میلادی) جنگ بین ایران و روس رسماً اعلام گردید، قشون عباس میرزا نایب السلطنه در نزدیکی ایروان با روس‌ها روبرو شد در حالی که دروازه‌های شهر به روی قشون ایران بسته شده بود و بیگلربیگی (از طایفه قاجار و موسوم به محمدخان) با روس‌ها متحد شده بود. در این سال، عباس میرزا چندین جنگ با روس‌ها نمود و سرانجام چشم‌زخمی به اردوی روسیه وارد نمود. این خبر به گوش فتحعلی‌شاه رسید. وی با سرعت هر چه تمام خود را به طرف میدان جنگ رساند؛ در نتیجه قشون روس شکست خورد و به طرف گرجستان عقب‌نشینی کرد. بیگلربیگی ایروان نیز تسلیم شد و شاه از تقصیر او در گذشت. شاه نیز برای گذراندن زمستان به تهران عزیمت نمود. جنگ‌های ایران

با روسیه قریب ۱۰ سال طول کشید! در سال ۱۲۱۹-۱۸۰۴ شروع و تا سال ۱۲۲۸-۱۸۱۴ ادامه داشت که در این تاریخ به‌موجب معاهده گلستان این جنگ ۱۰ ساله به پایان رسید.

شخصیت فتح‌علی‌شاه

اشتهار مخصوص فتحعلی‌شاه در داخل و خارج به علت عیاشی و پول‌پرستی او، همچنین در کثرت اولاد و پاره‌ای حرکات ساده‌لوحانه اوست! این پادشاه در مدت عمر خود قریب ۲ هزار فرزند از پسر و دختر و نواده پیدا کرد و در هنگام مرگ ۵۷ پسر، ۴۶ دختر، ۲۹۶ نوه پسری، ۲۹۲ نوه دختری از وی باقی‌مانده بود.

این پادشاه خوشگذران مانند سلف خود، شقی و بی‌رحم نبود ولی در آزمندی و مال‌دوستی دست کمی از آغامحمدخان نداشت. ملکم انگلیسی می‌نویسد "شاه یک مرتبه از دهقانی که امر به قطع گوش او را داده بود شنید که به میرغضب می‌گفت که اگر فقط سرگوش او را ببرد چند عدد پول نقره به او خواهد داد. ولی این دهقان بسیار متعجب شد وقتی شاه به او اطلاع داد که اگر آن پول را دو برابر کند و به اعلی حضرت بدهد گوش او کاملاً سالم می‌ماند! فتحعلی‌شاه که لثامت را از عمومی خود به ارث برده بود، مردی جاهل، بی‌تدبیر، خیال‌باف و بسیار غیرمنطقی بود و به جای آن که برای مقابله با دشمنان مقتدر خود، مردم را با علوم و فنون جدید مجهز کند تا ارتش ایران با سلاح‌های جدید آماده نبرد شوند، برای سرکوب کردن دشمنان لباس غضب می‌پوشید و کمان می‌کرد با این اقدام، روس‌ها بر خود خواهند لرزید و از خاک ایران عقب‌نشینی خواهند کرد!

در زمان فتحعلی‌شاه، صنعت پارچه‌بافی پشمی از گردونه صادرات خارج شد و با آمدن ماهوت انگلیسی و روسی و پارچه‌های فاستونی آنها جایگزین پشم‌بافی ایرانی شد. اگرچه زیبایی و طراوت و ارزش هنری ترمه ایرانی را نداشتند ولی ظاهری صاف، براق و یکدست داشتند و به‌وسیله ابراهیم خان شیرازی و درباریان در نزد مردم وسعت مصرف پیدا کرد. اما از زمانی که گلدستون - وزیر امور خارجه انگلستان - و گاردن - سفیر فرانسه - به ایران آمدند به همراه خود، متخصصین پارچه بافی را آوردند و در شهرهای اصفهان، یزد، کاشان و شوشتر پراکنده کردند تا فن بافندگی ابریشم را که دارای طرح‌های گلدار و نقش دار بود و در ظاهری بسیار بی‌نظیر بافته و تهیه می‌شد را فرا گیرند و به مملکت خود برگشته آنها را تولید نمایند؛ آنها پس از مطالعه بسیار دقیق، چگونگی ایجاد گوشواره‌ها در طرح‌های نقش‌دار را از هنرمندان ایرانی آموختند همچنین با چوب نقشه‌های ابداع شده غیاث‌الدین یزدی که در دست کارگران نقشه خوان





دایره بی اطلاعاتی زمامداران ایران آنقدر وسیع بود که حتی از موضوع برخی از میدان‌های جنگ روسیه و ایران هم اطلاع نداشتند و این امر از عوامل موثر شکست ایران و از دست رفتن ایالات و ولایات کشور بود زیرا اگر از اوضاع روسیه و دنیا اطلاع کافی داشتند؛ شاید می‌توانستند در سیاست‌های خودروشی را پیش گیرند که منتهی به از دست رفتن ایالات و ولایات ایران نشود.

میان دو سنگ آسیا قرار گرفت و آسیب‌های بسیاری را متحمل شد.

۷- معاهده ترکمانچای نه تنها زمینه‌ای را برای بسط نفوذ و سلطه روس در ایران آماده کرد بلکه به‌واسطه شرکت مأمورین روس در کارهای قضائی در امور مملکت ما عملاً مداخله کردند و فتنه‌ها برپا ساختند. سایر دولت‌های اروپایی نیز به‌موجب بعضی از مواد حقوق بین‌المللی، به‌عنوان این که با دولت ایران دوستی و دادوستد کامل دارند این معنی را در یکی از معاهدات خود با دولت ایران قید کردند و مانند دولت روس از حقوق قضاوت کنسول‌ها استفاده کردند و به‌این ترتیب مجاز به مداخله در امور کشور ما شدند.

ماده دیگری که در معاهده مذکور، مداخله دولت روس را در امور داخلی ایران مجاز نمود؛ مصونیت منازل و مغازه‌های کلیه اتباع روس بود که بدون اجازه وزیر مختار روس و یا نماینده او، مأمورین دولتی حق ورود به آنجا را نداشتند. روسیه به‌موجب ماده دیگری از عهدنامه ترکمانچای، حقوق گمرکی را محدود به ۵ درصد کرد و از این طریق قسمت عمده واردات و صادرات شمال و مرکز ایران را منحصر به‌خود ساخت، بازار ایران را تحت اختیار گرفت و تاجر باشی‌های روس، امور تجارتي مملکت را قبضه کردند. پس از معاهده ترکمانچای، رفتار و معامله مأمورین و اتباع روس با ایرانیان بر اساس زور، حق کشی، اجحاف و تعدی قرار گرفت که برای مملکت مایه خفت، خواری، ننگ و رسوایی بود.

۸- در اثر شکست‌های ایران از روسیه، عده‌ای از اولیای دولت متوجه شدند که با اسلحه و مهمات قدیمی نمی‌توان در مقابل سپاه منظم دشمن کاری از پیش برد و باید با اخذ تمدن و فرهنگ جدید مانند اروپائیان سرباز را تربیت کنند و به تجهیز قشون ایران با سلاح‌های جدید بپردازند. در این زمینه مبادله سفرا و هیأت‌های نمایندگی متعدد بین ایران و فرانسه، انگلیس و روس و تأسیس سفارت‌خانه‌های دائمی در تهران از طرق دولت‌های مذکور تا حدودی طبقه عالی مملکت را با علوم و صنایع و افکار جدید اروپا آشنا ساخت. از این رو در

علوم و صنایع اروپا و همان عدم توجه ما باعث نفوذ و سلطه دولت‌های اروپایی بر ایران شد. (عیسی صدیق صفحه ۲۹۳)

۳- در این دوره مانند زمان صفویه با وجود این که دوره عثمانی رو به صنعت میرفت همچنان بین ایران و اروپا حائل بود و حتی آمد و رفت مأمورین اروپائی از راه عثمانی بسیار دشوار بود چنان‌چه مثلاً نمایندگان ناپلئون - امپراطور فرانسه - که با دولت عثمانی متحد با دشواری می‌توانست از ولایات ترک عبور کنند و به ایران بیایند.

باید توجه داشت یکی از دلایل رکود صنعت نساجی ایران، دولت عثمانی بود که از ورود و خروج کالای ایرانی جلوگیری می‌نمود و تجار از راه‌های دور دست پارچه‌های ایرانی را به اروپا می‌فرستادند زیرا راه نزدیک ایرانیان به اروپا از اختراعات و صنایع اروپا و تمدن جدید آنها بی‌خبر بودند که این امر موجب عقب‌ماندگی آنان می‌شد. ۴- سیاست خشن نادرشاه نسبت به مجتهدین و محروم ساختن آنان از عواید اوقاف به طور موقت از نفوذ و قدرت آنها کاست، تعدیلی در قوای مملکت ایجاد کرد، تا حدودی تعصب و کینه دولت عثمانی را تقلیل داد و روابط بین اهل سنت را با شیعیان بهبود بخشید اما در اثر بی‌توجهی قاجاریه و ضعف سلاطین این سلسله، دولت عثمانی با ایران روابط خصمانه پیدا نمود.

۵- فتح هندوستان جز تشفی‌گریزه جهانگشایی نتیجه دیگری نداد. غرامات و غنائمی را که نادر شاه با خود آورد؛ چند سالی در کلات نگهداشته شد، سپس غارت گردید و برای هزینه‌های جنگ صرف شد که در این میان، انسان‌های بسیاری کشته شدند و مردم هیچ بهره‌ای از این ذخایر ارزشمند نبردند.

۶- در نتیجه ترقیاتی که در سلطنت پتر کبیر (۱۷۲۵-۱۶۸۹) میلادی مطابق با (۱۱۳۷-۱۱۰۱ هجری) نصیب روسیه شد یعنی در اثر اخذ و اقتباس فرهنگ جدید اروپای غربی و تعلیم علوم طبیعی و ریاضی و فنون نظامی و تشکیل سپاه منظم بر طبق اصول جدید، دولت روس مقتدر گردید و شروع به تجاوز کرد، به نواحی شمال قفقاز دست یافت، اعقابش تا رود ارس تاختند، قفقاز زرخیز را از ایران گرفتند و معاهده ننگین ترکمان‌چای را بر مملکت ما تحمیل نمودند زیرا می‌خواستند از راه ایران به هندوستان و خلیج فارس و دریای آزاد دست یابند. انگلستان نیز در نتیجه نشر علوم و معارف و صنایع جدید در همین دوره بر هندوستان تسلط یافت و برای حفظ آن شبه قاره با ایران روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایجاد کرد و تدابیر خاصی برای جلوگیری از روسیه اتخاذ کرد در نتیجه ایران، میدان کشمکش و رقابت بین دو دولت گردید و ملت ایران

در ایران رواج داشت؛ آشنا شدند و پس از مراجعت به کشورهای خود، کلیه نقشه‌های ایران را در فرانسه و انگلستان تولید کردند. به این ترتیب از مصرف پارچه‌های ایرانی شدند و کم‌کم این نوع محصول هم به آهستگی از میدان صادرات ایران خارج شد و محدود به مصرف داخلی گردید.



یک کارگاه تولید حریر در اصفهان در ۱۵۰ سال پیش

بررسی وقایع ایران و جهان در عصر فتحعلی شاه پس از ملاحظه تاریخچه این دوره می‌توان نکات مهمی را خاطر نشان کرد و علت رکورد و اضحلال ایران را دانست.

۱- از تاج‌گذاری نادرشاه تا تأسیس دارالفنون، بخش عمده‌ای از کشور آشفته و متزلزل بود. سلطنت نادرشاه صرف کشورگشایی، سرکوب یاغیان و متجاوزین و یا جنگ با دولت عثمانی شد. از قتل نادرشاه و استقرار کریم‌خان زند، قریب ۲۰ سال مدعیان سلطنت با هم منازعه داشتند و فقط حدود پانزده سال مردم در آسایش نسبی زیستند. دوران سلطنت آغامحمدخان قاجار برای فراهم کردن وحدت مملکت و مطیع ساختن سرکشان و جنگ با مدعیان سلطنت صرف شد و قسمتی از سلطنت فتحعلی شاه نیز به جنگ‌های روسیه و زد و خورد با عثمان و جنگ هرات و دفع گردن‌کشان داخلی گذشت بنابراین جای شگفت نیست که مردم حوصله ابداع و اختراع بیشتر صنعت و هنر را نداشتند. (تاریخ ادبیات ایران مولف ادوارد براون - جلد چهارم - صفحه ۱۵۸ - ترجمه رشید یاسمی)

۲- سیاست مذهبی سلاطین صفویه موجب شده بود که تمام توجه معطوف به مذهب شود و تنها علوم دینی را دانش می‌نامیدند و برنامه مدارس تقریباً منحصر به فقه، اصول و تفسیر بود. تحصیل علوم طبیعی و ریاضی مذموم بود و کتب دانشمندان بزرگ در این رشته‌ها قدر و اعتبار نداشت. در همین عصر اروپای غربی توجه خاص به علوم طبیعی و ریاضی کرد و در نتیجه به کار بردن آن علوم در زندگانی صنایع بدیعی به‌وجود آوردند که نمونه آن صنایع نساجی و بافندگی آن پارچه‌های جدید با سطحی صاف و براق و حداکثر تولید با ارزان‌ترین قیمت برای رقابت با کل دنیا و همچنین نیروهای نظامی و دریایی اروپا را با اسلحه‌های جدید و مدرن مسلط نمود که همین



در زمان فتحعلی‌شاه، صنعت پارچه‌بافی پشمی از گردونه صادرات خارج شد و با آمدن ماهوت انگلیسی و روسی و پارچه‌های فاستونی آنها جایگزین پشم‌بافی ایرانی شد. اگر چه زیبایی و طراوت و ارزش هنری ترمه ایرانی را نداشتند ولی ظاهری صاف، براق و یکدست داشتند.

۱۳۳۵ میرزا عیسی قائم مقام (متوفی ۱۳۴۷) - پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام (وزیر عباس میرزا در آذربایجان یک نفر را برای تحصیل طب جدید به انگلستان روانه کرد و در سال ۱۳۳۱ یعنی ۳ سال پس از معاهده گلستان، ۵ نفر دیگر را برای فرا گرفتن علوم مختلف به انگلستان فرستاد همچنین در سال ۱۳۴۲ کوشش کرد تا مهاجرین اروپائی را به آذربایجان جلب کند تا زندگی نوین را به مردم آذربایجان عملاً نشان دهند و وسایل آبادی و ترقی آن خطه را فراهم سازند. در سال ۱۲۵۰ مبلغین آمریکائی، مجاز به ایجاد موسسات خود در ارومیه شدند و مبلغین لازاریست فرانسوی اجازه یافتند که در تبریز، جلفا، ارومیه و سلماس مدرسه باز کنند و در سال ۱۲۶۰ پنج نفر برای آموختن علوم جدید به فرانسه اعزام شدند. ۹- اقدام مهم دیگری که برای تمهید فرهنگ و نشر معارف به عمل آمد؛ تأسیس چاپخانه بود. صنعت چاپ در اواسط قرن نهم هجری در آلمان اختراع شد. کتب فارسی و عربی از آغاز قرن دهم در رم و قسطنطنیه شروع به طبع گردید. مسیحیان کرملی در اصفهان چاپخانه داشتند در اوایل قرن سیزدهم هجری، کتب فارسی در کلکته به زیور چاپ آراسته شد. نخستین چاپخانه‌ای که در ایران برای طبع کتب فارسی دایر گردید سال ۱۲۲۷ در تبریز بود که با حروف سربی کار می‌کرد. در سال ۱۳۳۹ اولین مطبعه سربی در تهران تأسیس شد و سال بعد نخستین چاپخانه سنگی در تبریز شروع به کار کرد همچنین در سال ۱۲۴۵ نظیر آن در تهران هم به وجود آمد. پس از تبریز و تهران در شهرهای دیگر مانند اصفهان، ارومیه، شیراز، مشهد و رشت نیز چاپخانه راه‌اندازی شد. (مطبوعات و اشعار ایران نوین - تألیف ادوارد براون - صفحه ۲۸)

۱۰- در چاپخانه‌های مذکور نخستین نشریه‌ها مانند چاپخانه‌های اروپا در قرن نهم هجری راجع به مذهب بود و نخستین روزنامه فارسی به مدیریت میرزا صالح شیرازی (از محصلین اعزامی ۱۳۳۱ به انگلستان) با چاپ سنگی در تهران انتشار یافت. به دستور امیرکبیر روزنامه "دارالخلافت تهران" در پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ منتشر گردید و از شماره دوم و سوم به روزنامه "وقایع اتفاقیه"

تغییر نام یافت.

۱۱- در نتیجه مجاهدت‌های دولت ایران با استفاده از دوستی و اتحاد ممالک بزرگ اروپا برای حفظ و حراست مملکت از مطامع و تجاوزات روس در نتیجه مخاصمات بین فرانسه و انگلیس و متحدین آنها در اروپا در نتیجه استیلای دولت انگلیس بر هندوستان، ایران با فرانسه و انگلستان رابطه مستقیم پیدا کرد و هیأت‌های نمایندگی متعددی میان ایران و ممالک مذکور مبادله شد که همین مساله موجب تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی گردید و معلمین و صاحب منصبان اعزامی دولت‌های مذکور و استخدام کارشناسان و معلمین فرانسوی و انگلیسی از طرف دولت ایران، آموزش زبان فرانسوی و انگلیسی را ترویج نمودند. چون فرانسه با ایران مرز مشترک نداشت؛ ایرانیان تصور می‌کردند دولت فرانسوی اغراض سیاسی کمتری در ایران دارد.

خون‌گرمی فرانسویان و تجانس اخلاقی آنها با ایرانیان، آوازه فتوحات ناپلئون در اروپا و ستایشی که مردم ایران نسبت به او ابراز می‌کردند و نفوذ فرانسه در لبنان، فلسطین و سوریه از زمان جنگ‌های صلیبی، مهمترین عواملی بود که تدریس و تعلیم زبان فرانسه را در ایران رواج بیشتری داد و مدارس فرانسوی زودتر دایر شدند و در تعلیم و تربیت جدید، نفوذ فرانسه از ممالک دیگر بیشتر و موثرتر بود.

۱۲- در این دوره تعدادی از کتب فرانسوی و انگلیسی به فارسی ترجمه شدند. مانند تاریخ پطربکیر و تاریخ شارل دوازدهم (پادشاه سوئد) تألیف ولتر و تاریخ اسکندر مقدونی که به دستور عباس میرزا به فارسی نقل شد که این ترجمه‌ها و تألیفات در جلب توجه مردم به فرهنگ جدید اروپا بسیار موثر بود.

۱۳- در مدت کوتاهی که امنیت و آسایش در کشور ایجاد شد، نویسندگان به تصنیف کتاب و سرودن اشعار پرداختند و تألیفات آنها نه تنها بر پایه و اساس مذهب و احادیث و اخبار نبود بلکه از حکمت و عرفان نیز بهره مند بود. (مجله کاوه - شماره ۶ - سال ۱۳۳۹ قمری)

۱۴- تمام اقداماتی که در ظرف پنجاه سال (از آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه) به عمل آمد؛ یعنی استخدام معلمین خارجی، اعزام محصلین ایرانی به اروپا و تأسیس مدارس فرانسوی و موسسات امریکائی، تأسیس چاپخانه، انتشار روزنامه، تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی و ترجمه کتاب و رساله از زبان‌های مذکور به فارسی زمینه را برای تأسیس دارالفنون از سوی امیرکبیر آماده و مهیا کرد.

با مساعدت عباس میرزا و قائم مقام، به تدریج مردم ایران هوشیار شدند و نسب به امور مملکت اطلاعاتی کسب کردند همچنین با اخبار و وقایع ایران و جهان آشنائی شدند.

فساد در دربار و دولت

در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه به واسطه مخارج گزاف حرمسرا و وعیاشی درباریان و شاهزادگان قاجار، مخارج دربار و دولت افزایش یافت زیرا بودجه مملکت صرف زنان حرمسراها، دعاگویان و مقرری چاکران درباری می‌شد و مبلغی برای آبادی و عمران مملکت باقی نمی‌ماند. در همین ایام بود که سرجان ملک، سرگور اوزلی، سر هاردفورد جونز، استادان لژهای فراماسونی انگلستان به اتفاق سایر نمایندگان سیاسی آن کشور با کیسه‌های زر و لیره‌های خیره‌کننده به سوی دربار ایران روی آوردند. شاه قاجار که تحت فشار کسری بودجه و مخارج سرسام آور حرمسرای خویش عاجز مانده بود مجبور شد به تدریج کسری درآمد عمومی مملکت را با گرفتن رشوه به عنوانی مختلف مانند پیشکشی، تقدیمی، و ... تأمین نماید و روز به روز دامنه این نوع درآمدها را توسعه دهد. این پیشکش‌ها در ابتدای فقط برای احترام و قدرشناسی کوچک‌تر از بزرگتر بود اما به تدریج حکم رشوه را پیدا کرد و چون پادشاه قاجار رشوه می‌گرفت، سرمشقی برای رشوه‌گیران و وزراء و مامورین دولت نیز شد! گرفتن مقرری از انگلیسی‌ها برای اولین بار توسط میرزا ابوالحسن شیرازی به صورت مستمری در آمد. یک نویسنده انگلیسی می‌نویسد: ملک ماموریت داشت از طریق دادن رشوه و کمک به دولت ایران، وارد مذاکره شود، اول این که سالی ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار روپیه برای مدت ۳ سال به دولت ایران بدهد؛ دوم این که با دادن رشوه به شاه و وزراء، آنها را با خود همراه گرداند. ملک راه دوم را انتخاب کرد و سرانجام به مقصود خود نیز رسید. هر مشکلی که وجود داشت به وسیله لیره و طلای انگلیس به طور معجزه آسایی حل می‌شود! باید قبول کرد که سرهارد جونز از این راه موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آورد... اگر قرار بود یکی از عمال دولت فرانسه از ایران خارج شود، دولت قیمت اخراج او را درست مانند قیمت یک اسب تعیین می‌کرد؛ در مجموع ایران مملکتی است که در آن، بدون صرف پول زیاد، نمی‌توان یک قدم برداشت (تاریخ ایران در دوره قاجاریه - صفحه ۱۹)

واتسن می‌نویسد: "به طور کلی، مداخل عبارت از درآمدی است که به طور نقدی برای کمبود مخارج به هر صورت و عنوان، حتی به زور و جبر دریافت گردد، در ایران اگر دو طرف دو معامله یعنی دهنده و گیرنده، رئیس یا مرتوس و یا دو نماینده برای انجام معامله ای حاضر باشند، باز ممکن نیست معامله ای بدون دخالت یک واسطه انجام گیرد. البته ممکن است گفته شود که طبیعت بشر در همه جا یکسان است ولی در هیچ کشوری مانند ایران، علنی و بدون خجالت نیست (همان کتاب صفحه ۲۰)"

